

Ich hab' noch einen Koffer in Berlin

من هنوز چمدانی در برلن دارم

خلاصه مطالب

این درس با درسهای گذشته فرق دارد و در این درس مطالب متنوع و گوناگون درباره شهر برلن میبینید از قبیل تاثیر این شهر در انسان و نیز اطلاعاتی درباره گذشته و حال پایتخت آلمان. لذا در این درس نه توضیحات دستوری وجود دارد و نه تمرینات.

مطالب متنوع ما درباره برلن که آنرا تابلوی رنگارنگ از برلن میخوانیم شامل این موضوعات است:

- ۱- يك قطعه موسیقى که در دهه ۱۹۳۰ اجرا و در برلن ضبط شده است بنام "کنسرت گنجشک ها" ساخته Peter Igelhoff .
- ۲- تصنیف معروف "این هوای برلن است" که آنها هم در دهه ۱۹۳۰ اجرا شده و خواننده آن خانم "لیزی - والد مولر" است.
- ۳- تصنیفی از گروه هنری Comedian Harmonists که در همان دهه ۱۹۳۰ در برلن محبوبیت زیاد داشت و در سالنهای بزرگ برلن برنامه های سرگرم کننده اجرا میکرد. بسیاری از تصنیف ها و آهنگهای این گروه هنوز هم معروف هستند مانند تصنیف "کاکتوس کوچک سبز من". از سال ۱۹۳۴ این گروه اجازه اجرای برنامه نداشت زیرا سه نفر از اعضاء آن کليمی بودند.
- ۴- سخنرانی رادیویی نویسنده آلمانی طوماس - مان (تولد ۱۸۷۵ - وفات ۱۹۵۵) که در سال ۱۹۳۳ از آلمان به سوئیس مهاجرت کرد و در سال ۱۹۳۹ به آمریکا رفت و در سال ۱۹۴۴ به تابعیت آن کشور درآمد. سخنرانی وی در تاریخ دهم مه ۱۹۴۵ یعنی دو روز پس از تسلیم آلمان در پایان جنگ جهانی دوم پخش شد. طوماس مان در آخر سخنرانی خود چنین گفت:

Thomas Mann:
Deutsche Hörer!

(...) Ich sage: Es ist trotz allem eine große Stunde, die Rückkehr Deutschlands zur Menschlichkeit. Sie ist hart und traurig, weil Deutschland sie nicht aus eigener Kraft herbeiführen konnte. Furchtbarer, schwer zu tilgender Schaden ist dem deutschen Namen zugefügt worden, und die Macht ist verspielt. Aber Macht ist nicht alles, sie ist nicht einmal die Hauptsache, und nie war deutsche Würde eine bloße Sache der Macht. Deutsch war es einmal und mag es wieder werden, der Macht Achtung, Bewunderung abzugewinnen durch den menschlichen Beitrag, den freien Geist.

۵- پس از پایان جنگ جهانی دوم (در سال ۱۹۴۵) آلمان به دو کشور، و شهر برلن به دو قسمت تقسیم شد. در سال ۱۹۶۱ در وسط شهر برلن دیوار کشیده شد. در تاریخ بیست و چهارم اکتبر ۱۹۵۰ ژنرال "کلی" آمریکائی ناقوسی بنام ناقوس آزادی به اهالی برلن اهداء کرد که هر روز در رأس ساعت ۱۲ ظهر در شهرداری شونبرگ بصدا درمیآمد. در روز سوم ماه مارس سال ۱۹۶۳ رئیس جمهور وقت آمریکا John F. Kennedy به برلن آمد و از بالکن شهرداری شونبرگ نطقی ایراد کرد که این جمله آن در سراسر جهان شهرت یافت:

John F. Kennedy: Ich bin ein Berliner.

۶- مردم برلن به داشتن "دهان بی چاک و بست" یعنی زبان تیز و طرز بیان پر کینایه معروفند. در درس رادیوئی گفتگوئی بین زن و شهوهری از اهالی شهر در مورد امور روزمره و به لهجه خاص مردم برلن میشنوید:

Berlinerin: Kannst du mal einkaufen gehen?

Berliner: Was soll ich?

Berlinerin: Einkaufen.

Berliner: Ich? Wieso denn das?

Berlinerin: Wieso denn nicht?

Berliner: Ich habe keine Lust.

Berlinerin: Ich auch nicht.

Berliner: Hör auf, ich glaube, das reicht nun, was?

۷- برلن همیشه شهری چند فرهنگی و محل زندگی عده زیادی از خارجیان بوده و امروزه هم همینطور است. در دوره قبل از گذشته شدن دیوار برلن مخصوصاً عده کثیری از اتباع ترکیه در این شهر زندگی میکردند. در درس رادیوئی گفتگوئی کوتاه بزبان ترکی (اسلامبولی) میشنوید که ترجمه آلمانی آن چنین است:

Türkin: Guten Tag.

Türke: Guten Tag. Was möchten Sie?

Türkin: Einen *Döner.

Türke: Bitte – hier.

*کباب ترکی

۸- خانم مارلن دیتريش (به آلمانی: مارلنه دیتريش) هنرپیشه و خواننده آلمانی در سال ۱۹۳۰ با بازی در فیلم فرشته آبی شهرت یافت. وی در سال ۱۹۳۶ آلمان را ترک کرد و مقیم آمریکا شد.

در سال ۱۹۴۱ یعنی پس از آنکه آمریکا هم وارد جنگ جهانی دوم شد خانم مارلن دیتريش با لباس متحدالشکل (اونیفورم) ارتش آمریکا به سربازخانه ها میرفت و برای سربازانی که به اروپا اعزام میشدند آواز میخواند و باعث انبساط خاطر آنها میشد. وی تا آخر عمر خود (سال ۱۹۹۲) در پاریس زندگی میکرد. پس از پیوستن دو آلمان و دو بخش برلن به یکدیگر «مارلن دیتريش اظهار تمایل کرد که پس از مرگ در وطن خود بخاک سپرده شود. او تصنیف «من هنوز چمدانی در برلن دارم» را در سال ۱۹۴۸ خوانده و شما آنرا در درس رادیوئی شنیده اید.